



داریوس

میو

- ۳ -

آثار برجسته

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سویت Saudade (۱۹۲۱) - در Saudade ها که تعدادشان دوازده است آهنکاز خاطرات «برزیل» را که دو سال در اولین جنگ جهانی در آنجا سکنی گزیده بود در مغز خود دوره می‌کند. «میو» ریتم رقصهای برزیلی، بخصوص ریتم-های تانگودا گردآوری کرده و در کنار هم قرار داده است. رقصهای معمول برزیلی در این رهگذر دوباره موجودیت خود را باز نیافته‌اند بلکه تنها آرامه شده‌اند. میو «Saudade» های نامبرده را بعنوان عناصر مرکب و تجسم ایده آل رقصهای برزیلی بشمار آورده است، اسامی این دوازده موومان از نواحی مختلف «ریودوژانیرو» گرفته شده است.

Saudade ها نخستین بار سال ۱۹۲۱ در پاریس با رهبری «ولادیمیر

گلشمان» اجرا شد. در این اجرا تفسیر موسیقی بمهده استاد رقص «لومیز فولر» بود.

باله آفرینش جهان^۱ (۱۹۲۲) - میو ضمن دیداری که در ۱۹۲۲ از اتازونی بعمل آورد بتماشای محله «هارلم» نیویورک رفت وساعت‌هایی دراز باشور وجذبۀ فراوان بسه موسیقی جاز سیاهان گوش فراداد. اندکی بعد هنگامیکه از او خواستند برای باله‌ای ملهم ارزندگی سیاهان بنام «آفرینش جهان» که سناریوی آن را «بلزساندرا» نوشته بود آهنگ بسازد، میو برآن شد تادر این میان از مایه های جاز مدر بگیرد. او موسیقی باله را برای هیجده ساز (از جمله ساکسیفن) تنظیم کرد. در اینجا سبک مورد استفاده سبک جاز بود. «میو» باچنان چیره دستی ستایش انگیزی در آفرینش اثر توفیق یافت که «پلروز نفیلد» کار او را «بی نقص» ترین قطعه‌های «جاز سنفونیک» نامید - ودر همان زمان نظری «آرون کوبلند» در این باره چنین بود: «لااقل شاهکاری کوچک اما استوار بوجود آمده است.» تذکار این نکته نیز خالی از اهمیت نیست که «آفرینش جهان» یکی از نخستین کارهای بزرگ نسل معاصر بشمار است که از جهت تاریخ یکسال بر «راپسودی این بلو» می‌گوشوین تقدم دارد. داستان باله، با آفرینش جهان پیوند دارد، اما بدانسان که یک بومی سیاه پوست آن را می‌بیند. واقعه در مکانی نیمه تاریک روی میدهد.

«آفرینش جهان» در ۲۴ اکتبر ۱۹۲۳ بوسیله «گروه باله سوئدی» در تئاتر «شانزه لیزه» اجرا شد. یکی از سوئیت های ارکستری باله پیش از آن اقبال عام یافته وبکرات در اتازونی وکشور های دیگر بمرحله اجرا درآمده بود. سوئیت مزبور مشتمل بر بخش های زیرین است:

۱ - اختلال پیش از آفرینش خدایان دیو آسا برای آفرینش به مشورت می‌نشینند.

۲ - توده های درهم وبرهم به چنبیدن آغاز می‌کنند. ناگه درختی پدیدار

میشود و سپس جانوران گوناگون.

۳ - جانوران به رقص می‌آغازند که در آن میان از قلب توده مرکزی بیکر

عضوی پس از عضوی دیگر آشکار می‌شود.

۴ - در انامیکه این جفت رقص هوس را اجرا می‌کنند، باقیمانده توده به -

موجودات انسانی تجزیه می‌شود، و اینان دیوانه وار بر گرد نقطه‌ای، به حرکاتی دوار انگیز می‌پردازند.

۵ - جمیع درسته های کوچک دور می‌شوند و آدم و حوای سیاه را در حال

گرفتن بوسه‌ای کشدار بخویش وامی‌گذارند. هنگام بهار است!

۱ - la Creation du Monde

کوارتت شماره ۶ - برای سازهای زهی (۱۹۲۲). شامل سه موومان.
کوارتت ششم «میو» که به «فرانسیس پاولنک» اهدا شده است یکی از
فشرده ترین و موجزترین کارهای او در این فرم بشمار می آید. موومان نخستین باتمی
برای ویولا آغاز می شود که تا تم دوم پیش می رود. و این تم بوسیله ویولن سل ارائه داده
می شود. دوره ای که بدنبال می آید در واقع دو برابر اکسپوزیسیون نخستین است.
موومان دوم از یک ملودی جوشان و پرتاب، با حالتی ملایم سرچشمه میگیرد.
یک تم روستائی (بوسیله ویولن و ویولا) آغاز موومان آخر است. بدنبال این تم
یک قسمت متد و آرام شنیده می شود.

با پیش آمدن این تم ها، موسیقی بیش از پیش به حرارت و بیچیدگی میگرداند.
پس از برکشتی کوتاه به تم نخستین، کوارتت باطنینی ناکهانی بفرجام میرسد.

سویت پروانس - برای ارکستر - در هشت موومان.

این سویت گیرنده و ساده مشتمل بر هشت رقص است. «میو» مقداری آهنگ
های قرن هیجدهم «پروانس» زادگاه خود را گردآوری کرده و بجامه زیبایی ارکستری
آراسته است. این سویت نخستین بار بعنوان موسیقی برای باله، در اپرا کیمیک پاریس
باجرا در آمده است. و نیز نخستین بار در یک کنسر سنفونیک بارهبری خود آهنگساز
درو نیز اجرا شده است (۱۲ سپتامبر ۱۹۳۷).

سنفونی شماره یک - (در پنج بخش). «میو» اولین سنفونی خود را
ضمن اولین هفته جنک جهانی دوم هنگامی که هنوز در پاریس بسر می برد بکمال
رسانید. این سنفونی در «آیکس - پروانس» کامل شد و در ۱۷ اکتبر ۱۹۴۰
بوسیله ارکستر سنفونیک شیکاگو به هنر دوستان عرضه گردید.
حوادث طوفانی عصر، هیچگونه اثری در موسیقی آهنگساز بجای نهاد و
بیشتر آثار وی از آرامشی عمیق و شوری شاعرانه لبریز است.

خود آهنگساز نخستین موومان را چنین تشریح میکند: «دادای جنبه ملودیک
قوی، آرام، با احساسی بزرگ در برابر طبیعت». اولین تم اصلی با سازهای زهی و
دومین آن با سازهای بادی بوجود می آید.
موومان دوم که مشتمل بر سه جزء است «بیشتر حالتی دراماتیک و کوبنده
دارد و در نتیجه به فرم فوگ در می آید».

آرامش و سکون با موومان سوم باز میگردد که باتمی شبیه به کورال آغاز
می شود. صفت مشخصه موومان نر می وانهطاف عمیق آنست. بعد از تم کورال نوبت

به يك ملودی بسیار روشن و برحالت میرسد.

سنگونی همانگونه که شروع شده بود هرچند با احساسی شادمانه تر، درحالتی آرام بیابان میرسد. استخوان بندی سنگونی را سه تم اصلی تشکیل میدهد.

کنسرتو شماره ۲ برای پیانو و ارکستر - (۱۹۴۱ - در سه موومان)

دومین کنسرتو پیانو پنجال بعد از اولین کنسرتو اجرا گردید که در ۱۸ دسامبر ۱۹۴۱ با شرکت « میو » بعنوان سواپست و « هانس لائز » در نقش رهبر ارکستر سنفونیک شیکاگو، نخستین بار در شیکاگو شنیده شد.

کنسرتو باتمی متحرک و ریتمیک آغاز میگردد و این تحرك و ریتم در سرتاسر موومان حفظ می شود. يك قسمت ممتد برای ارکستر بدنبال فرا میرسد که در آن از ایده ای نو در مقابل استفاده از نمونه های ریتمیک جزء اول بهره برداری می شود. يك يك حرکت ریتمیک دیگر ارائه می گردد و پیش از تکرار عنصر اصلی آهنک، شکوهی دلپذیر پدید می آورد.

وزنهای دوازده گانه پیانو سولو معرف دومین موومان هستند که با اجرای آنها ارکستر دوباره وارد تم نخستین میگردد. در همان زمان واریاسیونهای تم را می توان در نوای پیانو شنید. ارکستر آنگاه در قلمرو تم دوم پای میگذازد و سپس پیانو ایده تازه ای را به شنونده تلقین می کند. درست پیش از ختم موومان دوم ازهر دو تم، پیوسته بیکدیگر استفاده می شود.

در موومان آخر از سه ایده بهره برداری شده است. گفتگو میان پیانو و ارکستر تم دوم که در برابر باریتم « رومبا » است، و يك جزء سوم که به فرم « کانون » بوسیله ارکستر نواخته میشود.

کنسرتو با درخشندگی و آب و تاب تمام پایان می پذیرد و شنونده سه ایده را ابتدا جدا از هم و سپس آمیخته بایکدیگر درک می کند.

سویت فرانسه - (برای ارکستر در پنج موومان - ۱۹۴۴)

با احاطه به موسیقی عامیانه فرانسه، میو توانست برای این سویت عناصر ملودیک لازم را گرد آورد، عناصری که وی با آزادی خلاقه و با حداکثر ظرفیت از آنها سود جست. در این باره آهنگساز چنین شرح میدهد: « پنج بخش این سویت هر کدام نام یکی از ایالات فرانسه را دارد. ایالاتی که در آنها سربازان امریکائی و کشورهای متفق برای آزادی کشور من می جنگند ».

آهنگساز در مقام تشریح بیشتر می افزاید که قصدش از نوشتن این اثر آنست

که جوانان امریکائی « ملودیهای دلاویز آن خطه‌هایی از فرانسه را بشنوند که برادران و پدران ما آنجا بخاطر نگاهداری کشور در برابر متجاوزین آلمانی کارزار کرده‌اند. »

اثر برای گروههای موسیقی و ارکستر سنفونیک هر دو نوشته شده است این سویت در اجرای پیشین بوسیله گروه «گلدمن» با رهبری « ادوین فرانکوگلدمن » در ۱۳ ژوئن ۱۹۴۵ و در نیویورک عرضه شده است. بعنوان یک کارارکستری، نخستین بار بتاريخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۵ در کنسرتی در « لویزون استادیوم » استماع شده است. در این کنسرت « موریس آبراولل » ارکستر فیلارمونیک نیویورک را رهبری کرده است.

سنفونی شماره ۳ - (۱۹۴۴ - در پنج موومان).

«میو» دومین سنفونی خود را در اتازونی باسفاش مؤسسه «کوسه وبتسکی» نوشت . او خود برای اولین بار این سنفونی را در بوستون و با ارکستر سنفونیک بوستون، رهبری کرد (۲۳ دسامبر ۱۹۴۶).

در طول پنج موومان، آهنگساز اتمسفر پراز آرامشی را نگاه میدارد و نیرو میدهد که با گذشت لحظه‌ها جهانی از راز و اندیشه بروی شنونده کشوده می‌شود . فقط گاهگاه ، بخاطر آنکه افسردگی و آرامش موسیقی عمق و حالت بیشتری پیدا کند، فورانی از یک قدرت متحرک در سنفونی پدیدار میگردد و اوج میگیرد. سنفونی با یک فوک که بوسیله تمامی سازهای ارکستر ادا می‌شود ، پایان می‌یابد.

کنسرتو شماره ۳ - برای ویولن سل و ارکستر (۱۹۴۵ - در سه موومان).

دومین کنسرتو «میو» یازده سال پس از نخستین کنسرتوی او ساخته شد . در اینجا کار عرضه و معرفی بعهده « آدموند کورتس » ویولن سل نواز معروف بود که آن را با همکاری ارکستر فیلارمونیک نیویورک تحت رهبری « آرتور رودزینسکی » عرضه کرد . (۲۸ نوامبر ۱۹۴۶)

در موومان اول، بلافاصله پس از کشودن تم اول، تم دوم آغاز میگردد و این نیز مانند تم نخستین، شادمانه و وجد آفرین است .

موومان دوم بسیار تفزلی و پر حالت است ، ملودی اصلی بوسیله ویولن سل ارائه می‌شود. در آخرین صفحه موومان دو تم بایکدیگر در میامیزند و تم واحدی می‌آفرینند .

پایان نشاطخیز مومومان دوم را نوای شش میزانی ویولنسل بهمهده دارد، که پس از آن همان تم مهیج اولی دوباره شنیده می شود.

سنفونی شماره ۳ - برای کر و ارکستر (۱۹۴۶ - در چهار مومومان). بزودی پس از آزاد شدن فرانسه، میو از جانب دولت مأموریت یافت تا یادبود واقعه را با تصنیف اثری جاودان سازد. آهنگساز بر آن شد تا به ایده خود در قالب يك سنفونی جان بیخشد.

ترتیب کار وی چنین بود: مومومان اول و سوم فقط برای ارکستر تنظیم شد. مومومان دوم برای ارکستر و کر، اما بدون متن و مومومان چهارم برای کر و ارکستر با متنی کامل و پیراسته.

از آنجا که موضوع، آزادی فرانسه از اسارت بنماگران نازی است این سنفونی در شمار یکی از کارهای بزرگ هیجانی درآمده است. احساسات گونه گون آهنگساز که در این لحظه حساس یکباره با الهام شده است، از آغاز تا پایان اثر انعکاس دارد. مومومان نخست بسیار محکم و یکبارچه است و روح تسلیم ناپذیر فرانسه را که با وجود ستم کاریها و خوار گیریهای چندین ساله ارتش نازی سر تسلیم فرو نیاورد، میرساند. مومومان دوم در يك حالت ژرف خویشتن نگری غرق میشود و موسیقی انعکاس ملایمی دارد. مومومان سوم در اعتقاد آهنگساز چنین غایتی دارد: « بازگشت بسوی خاک، بازگشت به ریشه گیاهان ».

موسیقی که تم شورانگیزی دارد ناگهان در مومومان آخرین، با جذب به ای زاهدانه و قدوسی درهم میامیزد.

این سنفونی نخستین بار ضمن فستیوال «میو» در پاریس بتاريخ ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ شنیده شد.

سنفونی شماره ۴ - (۱۹۴۷ - در چهار مومومان : ۱ - قیام ۲ - مرگ جمهوری ۳ - شادی آشتی جو برای آزادی دوباره بدست آمده ۴ - یادبود). میو چهارمین سنفونی خود را بتوصیه دولت بعنوان برنامه ای از جشن بزرگداشت صدمین سال انقلاب ۱۹۴۸ علیه لومی فیلیپ (که ریشه جمهوری دوم را برکنند) تصنیف کرد.

سنفونی در خلال سفر چهل روزه ای که طی آن میو با يك کشتی باری از سانفرانسیسکو به لوهاور رفت، پرداخته آمد. اولین اجرای آن را خود آهنگساز در رادیوی فرانسه رهبری نمود.

« هانری ماله » ناقد نامدار فرانسوی، تحلیلی از این اجرای اولین سنفونی بعمل آورده است که عیناً در زیر نقل می شود:

« در مومومان اول، آوای ترانه های دلاویز و مردم پسند در موجی از ضجه های

دلازار و تحريك كننده ، گرفتار ، مسخ ، كوبيده و مغلوب مي شود. آنگاه آهنكساز شور و غرور اجتماعي را كه ناكهان كرد آمده و اسلحه بدست گرفته اند، در چشم ما تجسم ميبخشد. مردم نرم نرمك درهم ميآمیزند، متحد مي شوند و در هياهوئي از شادي، براي يروزي بتلاش بر ميخيزند.

موومان دوم بسادگي يك سوگواري زمان داد را ميرساند، حالت فشرده اي از يك اندوه گريبانگير تا با آخر حفظ مي شود. اثر اندوهگين مومنان بدان سبب چنان ژرف است كه آهنكساز نيروهاي فراگير و تكان دهنده خود را با ميل به تازه جوئي درهم آميخته و آن را با سازهائي معدود اما توانا و موثر بما القا مي كند. مومنان سوم در خلال رويدادهائي كه دردشت و روستا ميكردند، هيجان آرام و ملايمي را به ما مي- نمايانند كه هر قلبي بدان آكنده است. هيچاني كه از يروزي آزادي پديد آمده است. سرانجام در آخرين مومنان، تمهاي قهرماني و محكم آغاز سنفوني بعمد دوره و تكرر مي شود، بايك چيره دستي فريبنده و تحول پذير، غني شده و گسترش يافته چنانكه گفتي آنرا بر پرده آينده نقش کرده اند؛

(پايان)

ترجمه اردشير لطفعليان



پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
رساله جامع علوم انساني